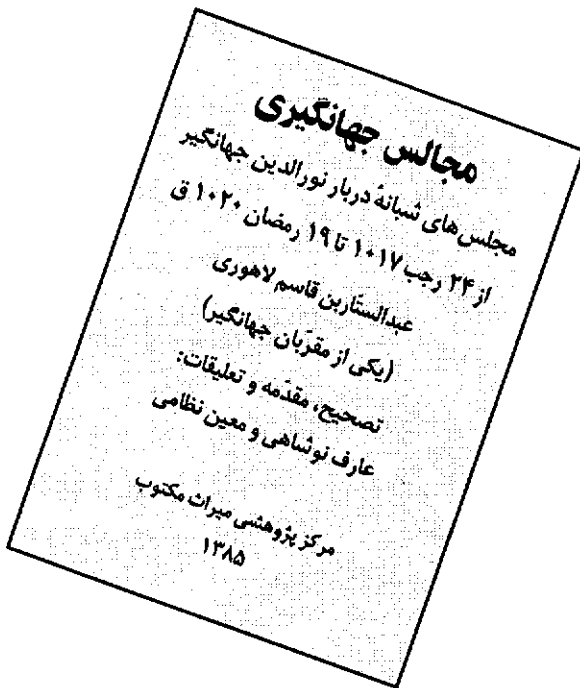


مجالس جهانگیری

کتابی در خور توجه

یوسف اسماعیل زاده



مجالس جهانگیری، مجلس های شبانه دربار نورالدین جهانگیر از ۲۴ رجب ۱۰۱۷ تا ۱۹ رمضان ۱۰۲۰ ق، عبدالستارین قاسم لاهوری (یکی از مقربان جهانگیر)، تصحیح، مقدمه و تعلیقات عارف نوشاهی و معین نظامی، چاپ اول، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۵.

مقارن با حکومت صفویه در ایران دولت گورکانیان هند در رأس قدرت بود و هر چه حکومت صفویه رو به انحطاط می رفت و حاکمانش روز به روز بی کفایت تر می شدند، دولت گورکانیان یا مغولان هند رو به ترقی بود. شاهان صفوی در صدد کور و ناقص کردن مخالفان خود- هر که باشد: برادر، پدر، امرا، فرزندان- بودند تا داعیه سلطنت نداشته باشند. طبیعی است در چنین وضعیتی انتظار اهل ادب، شاعران، نویسندگان از شاهان صفوی برآورده نمی شد. این علت هنگامی با ادب دوستی و فرهنگ پروری پادشاهان گورکانی مقایسه می شود، متوجه می گردیم تشکیل حکومت گورکانی شانس بزرگی برای علم و ادب فارسی بوده است. عصر گورکانیان هندی تردید یکی از بهترین دوره های ترویج زبان و شعر فارسی در سرزمین هند و تشویق مؤلفان و شاعران بوده است. «در حقیقت دوران گورکانیان هند در ادب فارسی، نجات بخش واقعی شعر و ادب فارسی از زبونی و رهایی دهنده آن از تنهایی و انخدالی بود که چیرگی ترکان قزلباش در عصر صفوی فراهم آورده بود» (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۴۵).

نخست به معرفی اجمالی شاهان ادب پرور گورکانی می پردازیم:

* ظهیرالدین محمد بابر شاه (م ۹۳۷ ق)

او از پرداختن به کارهای علمی و ادبی غافل نبود. از آثارش رساله ای است در عروض و رساله ای است در فقه حنفی و تاریخی در وقایع خود. طبع شعر هم داشت (همان، ص ۴۵۱).

* نصیرالدین همایون (۹۳۷-۹۶۳ ق)

دیوانی داشته؛ امین احمد رازی سه رباعی از او نقل کرده است (هفت اقلیم، ج ۱، ص ۳۴۶).

* میرزا کامران (م ۹۶۴ ق)، میرزا عسگری (م ۹۶۱ ق) و

میرزا هندیال (م ۹۵۸ ق)، پسران دیگر بابر هر سه شاعر بودند و اشعاری از آنها در جنگ ها، تذکره ها و تواریخ آمده است.

* جلال الدین اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق)

«در پرورش شاعران به حدی رسید که هیچ کس از شاهان



ایران و هند و منتسب به فرهنگ ایرانی بدان نرسیده است». (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۴۵۴). اکبرشاه نخستین پادشاهی است که به تقلید از سلاطین ایرانی منصب ملک الشعرایی برقرار کرد. او حامی فضل بود. کتابخانه بزرگ وی ۲۴ هزار نسخه خطی داشت. جهانگیر درباره ذوق شعری و امی بودن او مطالبی آورده است (جهانگیرنامه، ص ۱۹). در اغلب دیوان‌های شاعران آن عصر مدح «اکبر» دیده می‌شود. ابوالفضل علامی در آیین اکبری شاعران زیر را منتسب به دربار اکبر دانسته است:

ملک الشعرا فیضی، خواجه حسین ثنائی مشهدی، غزالی مشهدی، عرفی شیرازی، نظیری نیشابوری، حزنی اصفهانی، قاسم کاهی، میلی هروی، جعفر بیگ قروینی، خواجه حسین هروی، حیاتی گیلانی، شکیمی اصفهانی، انیسی شاملو، صالحی هروی، محوی همدانی، حرفی ساوجی، قراری گیلانی، عتابی نجفی، ملا محمد صوفی مازندرانی، جدایی، وقوعی نیشابوری، خسروی قائنی، وفائی اصفهانی، شیخ ساقی، رفیعی کاشی، غیرتی شیرازی، حالتی، سنجر کاشی، جذبی، تشبیهی کاشانی، اشکی قمی، اسیری رازی، فهمی رازی، قیدی شیرازی، پیروی ساوجی، کامی سبزواری، پیامی، سید محمد هروی، قدسی کربلایی، حیدری تبریزی، سامری، قریبی، فسونی شیرازی، نادری ترشیزی، نوعی مشهدی، بابا طالب اصفهانی، سرمدی اصفهانی، دخلی اصفهانی، قاسم ارسلان مشهدی، غیوری حصاری، قاسمی مازندرانی، رهی نیشابوری (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۴۵۷-۴۵۸)

* نورالدین جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق)

* شهاب‌الدین محمد شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق)

به معماری و هنرهای ظریف علاقمند بود. در شعر و دانش شاگرد قاسم بیگ تبریزی، حکیم دوایی گیلانی، شیخ ابوالخیر و وحیدالدین گجراتی بود (همان، ص ۶۴۰).

در دربار وی شاعرانی چون: کلیم کاشانی، سعیدانی گیلانی، رکنای کاشی، حافظ گیلانی و صائب تبریزی حضور داشتند.

* دارا شکوه (م ۱۰۶۹ ق)

نویسنده و شاعری فاضل بود. به میرزا رضی دانش (م ۱۰۶۷) در پاداش بیت زیر صد هزار روپیه بخشید:

تاک را سیراب کن ای ابر نیسان در بهار
قطره تا می می تواند شد چرا گوهر شود

و خود در جواب سرود:

سلطنت سهل است، خود را آشنای فقر کن
قطره تا دریا تواند شد، چرا گوهر شود
(همان، ص ۴۶۱)

تصنیفات دارا شکوه به شرح زیر است:

۱. سفینه الاولیا (احوال مشایخ و علماء)؛

۲. سکینه الاولیا (شرح احوال ملاشاه بدخشی)؛

۳. حق نما، رساله در تصوف؛

۴. سر اکبر (ترجمه از سانسکریت)؛

۵. بهگوت گیتا (ترجمه از سانسکریت)؛

* اورنگ زیب (۱۰۶۹-۱۱۱۸ ق)

نثر خوب می‌نوشت. از علما و دانشمندان مخصوصاً از فقها حمایت می‌کرد. قرآن را از حفظ داشت. در خطاطی ماهر بود. آنچه ذکر شد اختصاری بود از پادشاهان ادب دوست گورکانی. بهانه این نوشتار نگاهی است به یکی از منابع مهم و درخور توجه این دوره، کتاب مجالس جهانگیری. در ابتدا اشاره‌ای به احوال و افکار جهانگیر می‌کنیم.

نام اصلی او سلیم بود. مادرش دختر راجه بهار امل حاکم جی پور بود. او تحت نظر استادان بزرگ آن دوره مانند: مولانا میرکلان هروی، ملک الشعرا فیضی، عبدالرحیم خانانان، مولانا احمدعلی و صدر جهان تعلیم یافت. در علم و ادب خصوصاً در نجوم و طبیعیات و خطاطی مهارت یافت. زبان‌های عربی، ترکی، فارسی و زبان محلی را به خوبی می‌دانست. او چند بار ازدواج کرد. مهم‌ترین ازدواج او با «نورجهان بیگم» دختر غیاث بیگ تهرانی بود که در ۱۰۲۰ ق اتفاق افتاد. غیاث‌الدین منصور ریاضی (شاعر روزگار جهانگیر) مثنوی «حسن جهانگیر» را در عشق جهانگیر و نورجهان بیگم در ۲۰۲۰ بیت به بحر هزج سروده است (مثنوی‌های ادب فارسی، ص ۱۹۶). شاهزاده سلیم در ۱۰۱۴ به سلطنت رسید. او نیز مانند پدرش با پیروان مذاهب به مسالمت رفتار می‌کرد. جهانگیر پادشاهی مردم دوست بود. او را شاهی عادل می‌دانستند. او حتی از گناه شاهزادگان هم نمی‌گذشت (جهانگیرنامه، ص ۹۹).

جهانگیر در اواخر سلطنت همواره بیمار بود و اغلب در کشمیر به سر می‌برد و اداره مملکت به دست نورجهان بیگم بود و امرای ایرانی در همه امور نفوذ زیادی داشتند. سلطان خسرو در ۱۰۳۰ و سلطان پرویز در ۱۰۳۶، پسران جهانگیر، در زمان حیات جهانگیر از دنیا رفتند. جهانگیر خود در ۱۰۳۷ مرد. (جهانگیرنامه، ص ۵۰۷). مقبره جهانگیر در شاهدره در نزدیکی لاهور، کنار رودخانه راوی است و در نزدیکی آن مقبره نورجهان است.

دگر صغیر طبیعت بساز آگاهی

به عالم ملکوت است محملش راهی

(همان، ص ۱۶۸)

جهانگیر شعر دیگران را به ذوق خود تصحیح می کرد. گاهی شعرا را به نظیره گویی وا می داشت. نظریات خاصی در نقد شعر داشت. رتبه شعری سعدی را بر حافظ برتری می دانست. حیاتی گیلانی را به اتمام «تغلق نامه» امیر خسرو برانگیخت.

نوشته اند که ۱۵۱ شاعر در دربار او بوده اند. در دوره جهانگیر تألیفات ارزشمندی به وجود آمد که برخی از آنها عبارت اند از: مآثر رحیمی (عبدالباقی نهاوندی)، توزک جهانگیری (نورالدین جهانگیر)، اقبال نامه جهانگیری (محمد مشرف)، مآثر جهانگیری (کامگار حسین)، انفع الاخبار (محمد امین)، تاریخ جهانگیری (مطربی سمرقندی)، مجمع الشعراي جهانگیری (قاطععی).

در پایان کتاب، فهرست های مختلفی آمده است که بسیار مفید و راهگشاست از قبیل فهرست آیات، احادیث، روایات، ضرب المثل ها، ایبات، ماده تاریخ، اصطلاحات، القاب، پیشه ها، ابزار آلات، خوردنی ها، اوزان، جانوران، پرندگان، مکان ها، کسان.

فهرست منابع

۱. ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۲.
۲. نورالدین محمد جهانگیر گورکانی، جهانگیر نامه (توزک جهانگیری)، به کوشش محمد هاشم، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹.
۳. دیوان عرفی شیرازی، به کوشش جواهری «وجدی»، کتابخانه سنایی.
۴. مهدی خیراندیش، مثنوی های ادب فارسی، از آفرین نامه تا قصه رنگ پریده، انتشارات فارس، ۱۳۸۴.
۵. عبدالستار بن قاسم لاهوری، مجالس جهانگیری (مجلس های شبانه دربار نورالدین جهانگیر)، تصحیح و مقدمه و تعلیقات عارف نوشاهی و معین نظامی، میراث مکتوب، ۱۳۸۵.
۶. امین احمد رازی، هفت اقلیم، تصحیح محمدرضا طاهری، جلد ۱، سروش، ۱۳۷۸.



مؤلف مجالس جهانگیری را که در ابتدا بنا بود در چهل مجلس به پایان برد، با اصرار جهانگیر تا ۱۲۲ مجالس افزایش می دهد. این مجالس شبانه تاریخ غیر رسمی دربار جهانگیر است و اطلاعات ذی قیمتی از مسائل مختلف به دست می دهد. مؤلف تاریخ دقیق مجالس را با دقت تمام ضبط کرده است: با ذکر شماره مجلس، تاریخ مجلس، سال قمری، سال جلوس، گاهی هم با ذکر ساعت.

نویسنده کتاب از مقربان جهانگیر بوده، به راحتی در دربار آمد و شد داشته است. حتی پادشاه در هنگام غیبت مؤلف، جویای او می شده است. مؤلف اطلاعات زیادی در مسائل مذهبی، کلامی و ادبی داشته و گهگاه جهانگیر از او سؤالاتی می پرسیده است.

زبان نثر کتاب ساده و روان و از عبارات پیچیده و مغلق و کلمات عربی عاری است و بیشتر به زبان گفتار مانند است. مؤلف آنچه را دیده و شنیده نوشته است و در صدد فخر فروشی و مظنن نویسی نبوده است. مطالب کتاب هم گاهی تکراری است که شاید به سبب تکراری بودن مباحث مطرح شده در مجالس باشد. اما مؤلف در برخی موارد به تملق گویی دچار می گردد و هر آنچه از دهان جهانگیر می شنود مهم و معتبر جلوه می دهد و برتر از نظر دیگران می شمارد و چنین وانمود می کند که این موضوع تا کنون به ذهن دیگران خطور نکرده است.

از فواید این کتاب ثبت اشعاری از جهانگیر است. اغلب مجالس شبانه جهانگیر با علما و شاعران است. همواره یکی از علما بر درگاه حاضر بوده است. جهانگیر شاعران هجاگورا نمی پذیرفته است. از انواع شعر به قصیده هم اعتقادی نداشت و می گفت: «مدار مدح این قصیده گویان بر آن شده که می گویند کیخسرو غلام تو، سکندر کمینه نوکر تو، نوشیروان جاروب کش بساط عدل تو. این طور چیزها بر طبیعت راستی و عدالت دوست پادشاهی گرانی می کند. بزرگ کرده های خدا را این چنین چرا یاد کنند» (جهانگیر نامه، ص ۱۹۹).

در دیوان عرفی شیرازی سه مدیحه درباره جهانگیر وجود دارد. البته در هنگامی که به سلطنت نرسیده بود، در دیوان عرفی با عنوان «شاهزاده سلیم» آمده است با مطلع های:

نوبهار آمد که افشاند چو حسن یار گل

چون وصال یار ریزد هر خس و هر خار گل

(عرفی شیرازی، ص ۸۷)

صبحا عید که در تکیه گاه ناز و نعیم

گدا کلاه نمذ کج نهاد و شه دیهیم

(همان، ص ۹۸)

